



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۵

سیف قاضی زاده

جیوپولیتیک افغانستان "خصوصیات جغرافیایی و جیوپولیتیک آسیای مرکز" قسمت پنجم

رقابت آرام روسیه و چین در آسیای مرکزی:

در حالی که روسیه بر اهداف ژئوپلیتیکی خود در آسیای مرکزی متمرکز است، منافع چین در درجه اول به منابع معدنی و انرژی منطقه است. پنج کشور آسیای مرکزی به عنوان دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری و کمک‌های توسعه‌ای چین، به دنبال استفاده از رقابت دو قدرت به نفع خود هستند. نقشه ای که پنج کشور آسیای مرکزی، منابع انرژی و خطوط لوله نفت خام و گاز کلیدی مورد علاقه چین را نشان می دهد.

کشورهای آسیای مرکزی از جغرافیای مطلوب و منابع انرژی خود برای توسعه سریع استفاده کرده اند. به طور خلاصه

روسیه تجارت بیشتری در آسیای مرکزی انجام می دهد، اما چین همچنان بزرگترین سرمایه گذار منطقه است این پنج "ستان" از منافع ژئواستراتژیک همسایگان بزرگ خود برای توسعه سریعتر استفاده می کنند در حالی که پکن تلاش می کند تا روسیه را در حیاط خلوت سابق خود تحریک نکند، رقابت و تنش ها تشدید می شود.

برای بیش از یک دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991، کشورهای آسیای مرکزی از میزانی استقلال در امور داخلی و خارجی خود برخوردار بودند که قرن ها پیش از آن بی اطلاع بودند. واضحترین نمونه‌ها پس از حملات تروریستی 11 سپتامبر به ایالات متحده، زمانی که حقوق ترانزیت و استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه مجاز شد، آشکار شد. قزاقستان، مانند برخی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی، علیرغم مخالفت شدید روسیه و چین با عملیات نظامی، سربازان خود را به عنوان بخشی از نیروهای چند ملیتی تحت رهبری ایالات متحده به عراق فرستاد. به نظر می رسد آن دوران اکنون به پایان رسیده است، زیرا رقابت قدرت های بزرگ به عنوان یک محرک در روابط بین الملل بازگشته است. این پنج "ستان" آسیای میانه - قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان چه خبر است؟

محتمل ترین سناریو ترکیبی از سه روند همزمان است. روسیه با تلاش برای گسترش اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) و افزایش انگیزه های اقتصادی خود، تلاش ها برای تقویت حضور خود را افزایش خواهد داد. می توان انتظار داشت که چین نیز همزمان با پیگیری اهداف سیاسی منتخب، سرمایه گذاری های گسترده خود را در منطقه افزایش دهد. گرایش سوم شامل تلاش دولت های آسیای مرکزی برای متعادل کردن این روابط با گسترش روابط با جهان خارج است.

وابستگی اقتصادی منطقه به دو همسایه بزرگ خود عمیقتر می شود و نیاز به خنثی کردن این روند از طریق افزایش و گسترش دید بین‌المللی کشورهای آسیای مرکزی آشکارتر می شود. در حالی که سیستم‌های حکومت تک‌نفره (با درجات مختلف پیچیدگی اعمال می‌شوند) به تصویر آن‌ها کمک نمی‌کند، کمپین‌های روابط عمومی برای معرفی «قطارها» به عنوان کشورهایی پُرانرژی، جوان و به سرعت در حال مدرن‌سازی با پتانسیل تجاری قابل‌توجه در حال حاضر نتایج ملموسی را به همراه دارند.

در آسیای مرکزی در دهه آینده، تکرار «بازی بزرگ» نیست، که در آن قدرت‌های بزرگ خارجی برای کنترل منطقه مبارزه می‌کردند. در عوض، شاهد اشکال آرام‌تری از رقابت برای اهرم و تجارت خواهیم بود. این رقابت ممکن است گهگاه در جریان انتقال قدرت یا در چارچوب سایر تحولات سیاسی مهم آشکار شود، به عنوان مثال در

د پاپو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

مورد تصمیم قزاقستان برای حضور در رای شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره پیش نویس قطعنامه روسیه در مورد حمله شیمیایی اخیر. در سوریه

چین و پنج کشور آسیای مرکزی همسایگان دوستانه ای هستند که توسط کوه ها و رودخانه ها به هم متصل شده اند. آنها همچنین با داستانها و افسانههای جاده ابریشم باستانی که آسیا و اروپا را به هم پیوند می‌دهد، به هم مرتبط می‌شوند. و این جاده باستانی ابریشم بود که اختراعات و خلاقیت های چین از طریق آن به آسیای مرکزی و جنوبی، خاورمیانه و اروپا رفت و مردم آنجا را مسحور کرد.

بر اساس «نظریه هارتلند» جغرافیدان و سیاستمدار بریتانیایی هالفورد جان مکیندر، آسیای مرکزی، به عنوان بخشی از اوراسیا، «محور جغرافیایی تاریخ» بوده و محور سیاست جهانی باقی خواهد ماند. مکیندر در مقاله‌ای به نام محور جغرافیایی تاریخ، در سال 1904 می‌نویسد: کسی که بر اوراسیا حکمرانی می‌کند، به «هارتلند» فرمان می‌دهد، کسی که بر سرزمین‌های مرکزی حکومت می‌کند، به «جزیره جهانی» فرمان می‌دهد، کسی که بر جهان حکمرانی می‌کند، به جهان فرمان می‌دهد. مکیندر همچنین از «هارتلند» به عنوان «منطقه محوری» و هسته اوراسیا یاد می‌کند و اروپا و آسیا را جزیره جهانی می‌داند.

نظریه مکیندر حتی امروزه در سیاست ها و ستراتی های خارجی قدرت های بزرگ منعکس شده است. استدلال او مبنی بر اینکه «کسی که بر سرزمین مرکزی حکومت می‌کند... به جهان فرمان می‌دهد» به نوعی به نیروی محرکه سیاست‌های خارجی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است که منجر به رقابت قدرت بین آن‌ها برای گسترش حوزه نفوذشان می‌شود و در نتیجه بافت تاریخی مرکزی را تغییر می‌دهد. آسیا.

قدرت های بزرگ بارها تلاش کرده اند در منطقه مداخله کنند. امپراتوری‌ها ظهور کرده و فروپاشیده‌اند، اما ناامیدی آنها برای گسترش نفوذ خود به مناطق خارجی یا کنترل آن‌ها به بی‌ثباتی در آسیای مرکزی منجر شده است. افغانستان (کشوری در جنوب آسیای مرکزی) نمونه مناسبی از بی‌ثباتی سیاسی و ویرانی اقتصادی است که مداخله قدرت های بزرگ می‌تواند در یک کشور ایجاد کند. حتی با گذشت بیش از یک سال از خروج نیروهای آمریکایی از کشور پس از تقریباً دو دهه اشغال، افغانستان در تلاش است تا در همه جبهه‌ها جای پای خود را به دست آورد.

و اگرچه چین و روسیه در هیچ بازی قدرتی بر سر آسیای مرکزی درگیر نیستند، اما رسانه‌های غربی دروغ‌هایی مبنی بر تلاش دو کشور برای کنترل منطقه منتشر می‌کنند. شاید رسانه‌های غربی با بازی ژئوپلیتیکی سیاستمداران غربی یعنی تفرقه بیانداز و حکومت کن، درگیر هستند.

اما دروغ‌ها و شایعات همیشه برملا خواهند شد. در سال‌های اخیر، رسانه‌های غربی موضوعاتی را مطرح کرده‌اند که «کار اجباری سین‌کیانگ» و «اردوگاه کار اجباری سین‌کیانگ» وجود ندارد تا پنج کشور آسیای مرکزی را که مانند منطقه خودمختار سین‌کیانگ اوغور چین، جوامعی با اکثریت مسلمان هستند، از تعمیق باز دارند. روابط تجاری و اقتصادی با چین و روسیه.

نشست چین و آسیای مرکزی نشان خواهد داد که چین و پنج کشور آسیای مرکزی همسایگان دوستانه و شرکای تجاری نزدیک هستند. علاوه بر این، مشارکت ستراتیژیک چین و روسیه به لطف اعتماد متقابل عمیق و درک خوب آنها در مورد توسعه و امنیت منطقه تقویت شده است.

اما برخی از کشورها برای رسیدن به اهداف محدود ژئوپلیتیکی خود، مشکل ایجاد کرده و سعی در ایجاد اختلاف بین کشورهای منطقه دارند. اما همکاری برد-برد چین و کشورهای آسیای مرکزی، مشارکت راهبردی چین و روسیه و روابط خوب چین و سایر کشورهای منطقه اجازه نخواهد داد که قدرت های غربی در طراحی خود موفق شوند.

چین و کشورهای آسیای مرکزی با همکاری یکدیگر، به ویژه در طول 10 سال گذشته، و با هدایت ابتکار یک کمربند و یک راه، پلتفرم های همکاری محکمی ایجاد کرده اند که همه طرف ها از آن سود برده اند.

پس از سال ها بحث و تبادل نظر، چین، قرقیزستان و ازبکستان بر سر راه آهنی که این سه کشور را به هم متصل می‌کند به توافق رسیدند و ساخت این پروژه در شرف آغاز است. ابتکار کمربند و جاده به ارتقای زیرساخت‌ها در دو کشور آسیای مرکزی کمک می‌کند و سرعت توسعه آنها را افزایش می‌دهد و سین‌کیانگ را به پل ارتباطی برای قطب اقتصادی آسیای مرکزی تبدیل می‌کند که آسیای شرقی را به اروپا، خاورمیانه و آفریقا متصل می‌کند.

پروژه های راه آهن چین- قرقیزستان- ازبکستان و سایر پروژه های کمربند و جاده آسیای مرکزی را از یک منطقه محصور در خشکی به منطقه متصل به خشکی تبدیل خواهند کرد. و شبکه‌های ارتباطی پیشنهادی شامل جاده‌ها، راه‌آهن‌ها و مسیرهای پروازی و زیرساخت‌هایی مانند خطوط لوله نفت و گاز، کشورهای آسیای مرکزی را بسیار به دریا نزدیکتر می‌کند و در نتیجه تجارت آنها را با جهان خارج افزایش می‌دهد.

آسیای مرکزی جدای از تبدیل شدن به یک منطقه اصلی پروژه های کمربند و جاده و بخشی از جامعه ای با آینده مشترک، به منطقه ای مرفه نیز تبدیل خواهد شد. و به زودی مردم منطقه متوجه خواهند شد که درخواست چین برای

کمک به ساختن جامعه ای با آینده ای مشترک برای بشریت یک شعار توخالی نیست، بلکه یک پروژه صادقانه به نفع همه است.

وضعیت جهانی با دو روند متمایز به سرعت در حال تغییر است. یکی از آنها این است که چین منافع متقابل را با کشورهایمانند کشورهای آسیای مرکزی ترویج می کند و تلاش می کند همه کشورها را متحد کند تا بتوانند به صلح، ثبات و توسعه دست یابند. روند دیگر این است که قدرت های غربی با هم متحد می شوند، کشورهای دیگر را وادار به جانبداری می کنند و با استفاده از تحریم ها و تهدیدها، چین را مجبور به پذیرش خواسته های سرکوبگرانه شان می کنند و باعث بی ثباتی و افزایش تنش در سراسر جهان می شوند.

اما علیرغم طرح شیطانی قدرت های غربی، صلح و توسعه موضوع اصلی روزگار باقی خواهد ماند. صدای نیروهای صلح دوست و توسعه گرا، مانند نیروهایی که احتمالاً در 18 تا 19 مه از شیان صادر می شود، در سراسر جهان طنین انداز خواهد شد.

"تفکر روسیه در مورد روابط چین و روسیه و جنگ اوکراین"

آسیای مرکزی در طول یک دهه: تغییر موازنه در آسیای مرکزی بین روسیه و چین گی کریستوفرسن، سیاست بین الملل، دانشگاه جان در طول یک دهه، آسیای مرکزی آزمایش کرده است که آیا سینومرکزی تحت فشار شی جین پینگ می تواند با روسیه مرکزی مورد حمایت ولادیمیر پوتین همزیستی کند یا خیر. هر یک از طرفین ابتکاراتی را برای ایجاد یک منطقه به نفع خود آغاز کرده است. علیرغم ادعاها مبنی بر همکاری هماهنگ با یکدیگر، هر یک بارها و بارها به دنبال برتری نسبت به دیگری بوده اند. در همین حال، کشورهای آسیای مرکزی به نفع خود بین این دو مانور داده اند. قزاقستان به دلیل وسعت، موقعیت، منابع و جمعیتش، کشور کلیدی در ابتکارات و مانورهای در حال انجام است. تمرکز ویژه زیر بر نحوه مدیریت این دو قدرت است، از جمله دیپلماسی چندجانبه در سازمان همکاری شانگهای (SCO) و کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادساز در آسیا (CICA).

در دهه گذشته، حضور اقتصادی چین در آسیای مرکزی در چارچوب طرح کمربند و جاده (BRI) گسترش یافت. شی جین پینگ BRI را در سال 2013 در قزاقستان معرفی کرد. پوتین در سال 2014 "اتحادیه اقتصادی اوراسیا" (Eurasian Economic Union - EEU) به عنوان وسیله ای برای جلوگیری از جذب آسیای مرکزی به حوزه چین اعلام کرد. این واقعیت که EEU به اندازه BRI در منطقه پویا نبوده است، به دلیل سرمایه گذاری گسترده چین در هیدروکربن ها و زیرساخت ها، توازن قدرت را به نفع چین تغییر داده است. در پاسخ، روسیه مشارکت بزرگ اوراسیا (GEP) را برای محافظت از نفوذ چین ایجاد کرد. رقابت چین و روسیه در آسیای مرکزی از طریق فرآیند انطباق مدیریت می شود، زیرا هدف هر دو ایجاد یک نظم منطقه ای اوراسیا با ثبات است. تمام آسیای مرکزی تحت تاثیر قرار گرفته است. قزاقستان با منابع فراوانی که دارد برای پروژه های منطقه سازی چین و روسیه اهمیت ویژه ای دارد. در زمینه عصبیت ناشی از توسعه طلبی روسیه در جنگ اوکراین، در سپتامبر 2022 شی جین پینگ در توقف در قزاقستان از تمامیت ارضی حمایت کرد و شکی در حمایت چین از آن در این رقابت باقی نگذاشت.

"چرخش به شرق" روسیه بر آسیای مرکزی به عنوان پایگاه و GEP به عنوان چارچوب آن استوار است که از اروپا تا شرق آسیا با مسکو به عنوان رهبر گسترش می یابد. تحلیلگران روسی به ساخت این تصویر کمک کردند و ادعا کردند چین و روسیه رهبران پروژه ادغام اروپا و آسیا در یک منطقه بزرگ اوراسیا هستند. گلن دیزن و الکساندر لوکین گذشته قابل استفاده ای را می سازند که از بازگشت به امپراتوری قبلی اوراسیا پشتیبانی می کند، به جای اینکه آن را پروژه جدیدی تصور کنند که از جاه طلبی پوتین بیرون آمده است. 1 دیزن استدلال می کند که اروپا صرفاً شبه جزیره غربی اوراسیا بزرگ است که از طریق ارتباط اقتصادی با روسیه ادغام می شود. 2 در واقع، اروپا هیچ علاقه ای به بخشی از یک پروژه منطقه ای به رهبری روسیه نشان نداده است.

پوتین آسیای مرکزی را عرصه ای می دانست که قدرت های بزرگ برای نفوذ در آن رقابت می کردند، یعنی احیای بازی بزرگ قرن نوزدهم، به ویژه در رابطه با گسترش نفوذ چین در آسیای مرکزی. چشم انداز اوراسیا بزرگ پوتین عامل کمی برای کشورهای آسیای مرکزی است، اگرچه این کشورها از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیپلماسی چندجانبه را دنبال کرده اند. قزاقستان به عنوان بزرگترین کشور آسیای میانه، بزرگترین نمایندگی را در ارتباط دیپلماتیک خود با اروپا، ایالات متحده، خاورمیانه و ترکیه و همچنین چین نشان داده است. رقابت قدرت های بزرگ چین و روسیه با مفهومی که چین ساخته است، یعنی تقسیم کار آسیای مرکزی، مدیریت می شود. فرمولی که پکن برای اجتناب از رقابت قدرت های بزرگ به کار گرفت، این بود که روسیه رهبری منطقه را در مسائل امنیتی به عهده گرفت در حالی که چین در روابط اقتصادی رهبری می کرد. در دهه گذشته، بسیاری از تحلیلگران به اجتناب از رقابت آشکار از طریق این تقسیم کار چین و روسیه اشاره کردند. 3 این برای رفع نگرانی

مسکو در مورد تجاوز پکن به حوزه نفوذ روسیه در آسیای مرکزی ساخته شد. از کشورهای آسیای مرکزی انتظار می‌رفت که به طور منطبق بر آن تطبیق دهند، نه اینکه هیچ گونه نمایندگی معناداری داشته باشند. پکن مطمئن بود که اتکا به BRI نفوذ خود را بیشتر می‌کند زیرا ایده های چینی درباره قدرت بر مفهوم «قدرت جامع» متکی است که ترکیبی از قدرت نظامی، دیپلماتیک، گفت‌وگویی و اقتصادی است. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چینی ها عدم تاکید روسیه بر قدرت اقتصادی و تمرکز محدود بر قدرت نظامی، آن را به یک رقیب ضعیف تبدیل کرده است.

برای جلوگیری از رقابت چین و روسیه، BRI و EEU در سفر 8 تا 9 مه 2015 شی جین پینگ از مسکو به طور رسمی به هم مرتبط شدند. چینی ها این داکینگ را "对接" دو پروژه نامیدند و چارچوب جدیدی که توسط این داکینگ ایجاد شد "一帶一盟" [یک کمربند، یک اتحادیه] نام گرفت. ماه بعد، در ژوئن 2015، باشگاه گفتگوی والدای مستقر در مسکو گزارشی درباره نحوه پیوند BRI و EEU در چارچوب بزرگتر اوراسیا منتشر کرد. هدف حفظ ثبات در آسیای مرکزی و اجتناب از رقابت‌های چین و روسیه بود. 4 با توجه به اینکه روسیه و چین هر کدام حوزه‌های نفوذ را در آسیای مرکزی ایجاد می‌کردند، لازم بود هر دو کشور بررسی کنند که حوزه‌های جداگانه‌شان چگونه نظم منطقه‌ای ایجاد می‌کند. از سال 2015، گفت‌وگوهای چینی-روسی متعددی در مورد چگونگی تحقق آن بحث شده است.

این تقسیم کار به ظاهر هماهنگ فرصت‌هایی را برای دولت‌های ثانویه ایجاد کرد تا طیف گسترده‌ای از ستراتیژی‌های خود را دنبال کنند، حتی در حالی که پکن و مسکو فرض می‌کنند که دولت‌های ثانویه باید عامل کمی در دیپلماسی خود داشته باشند. قزاقستان از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رهبری را در آسیای مرکزی به دست گرفته است و آنچه را دیپلماسی چندجانبه می‌نامد دنبال می‌کند. در شرایط رقابت قدرت‌های بزرگ، دولت‌های ثانویه کوچکتر طیف گسترده‌ای از ستراتیژی‌های تاکتیکی از جمله تعادل سخت/نرم، باج‌گیری، لغزش افسار، بی‌طرفی، الزام‌آوری، و گرومبندی را دارند. 5 دیپلماسی چند برادر اصطلاح گسترده ای است که چندین مورد از این راهبردهای تاکتیکی را در بر می‌گیرد، که نشان می‌دهد بسیار پیچیده تر از آن چیزی است که معمولاً درک می‌شود.

در آسیای مرکزی، قزاقستان قوی ترین مدافع دیپلماسی چندجانبه است و تاجیکستان ضعیف ترین. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قزاقستان به سازمان‌های بین‌المللی متعددی پیوست و خود را درگیر کرد که در 30 سال گذشته فضا را برای چندبردارگرایی فراهم کرده‌اند. در سال 2022، این همچنان ستراتیژی قزاقستان است. به گفته یک محقق قزاق، "یک جهت گیری انحصاری در سیاست خارجی فقط به یک کشور در نهایت منافع ملی قزاقستان را برآورده نمی‌کند و آزادی مانور ستراتیژیک را به شدت محدود می‌کند." 6

تاجیکستان مرددتر بوده است. نویسنده در آگوست 2015 با یک اقتصاددان تاجیک صحبت کرد، او گفت که تاجیکستان بر سر مشارکت در BRI چین تقسیم شده است. من به تاجیکستان پیشنهاد دادم که مانند قزاقستان طرح ملی خود را تنظیم کند و سپس تعیین کند که در کجا با BRI چین زمینه های مکمل وجود دارد. این ترجیح داده شد تا پکن اولویت های تاجیکستان را تعیین کند. در سال 2016، تاجیکستان یک ستراتیژی توسعه ملی 2030 (NDS) را با کمک بانک جهانی ایجاد کرد. بر اساس یک مطالعه بانک جهانی، تاجیکستان از نظر زیرساخت و توسعه از BRI سود برده است. 7 تاجیکستان در واقع چند برادرگرایی را تمرین می‌کند، اما در گفت‌وگوهای سیاست خارجی، به اندازه قزاقستان آشکارا چندبردار نیست.

تا سال 2022، تاجیکستان 3.3 میلیارد دلار به طلبکاران بین‌المللی بدهکار بود که 60 درصد آن به بانک صادرات و واردات چین بدهکار بود. ساختمان‌هایی در پایتخت با پول و شرکت‌های چینی ساخته شد و تابلوهایی روی آن نصب شد که روی آن نوشته شده بود: «کمک چین برای آینده مشترک». دولت تاجیکستان به شرکت های چینی امتیازاتی در معادن طلا و نقره خود برای کمک به بازپرداخت بدهی داده است. پرویز ملوجانوف، دانشمند علوم سیاسی تاجیک، نگران است که بدهی عظیم چین «می‌تواند بهانه ای برای گسترش سیاسی و جیوپولیتیکی» حضور چین باشد. 8

ستراتیژی های آسیای مرکزی به صورت دوجانبه و در داخل رژیم های چندجانبه دنبال می‌شود. از آنجایی که پکن و مسکو پیوسته در رژیم‌های چندجانبه با یکدیگر رقابت می‌کنند و آنها را به نفع خود پیکربندی می‌کنند، به کشورهای ثانویه فرصت‌های زیادی برای مانور داده می‌شود. گفته می‌شود که سیاست خارجی قزاقستان در حال متعادل‌سازی دائمی بین روابط سنتی با روسیه و فرصت‌های اقتصادی چین است، اما برخی تحلیل‌گران معتقدند که ستراتیژی چند برادر این کشور در نهایت بازدهی رو به کاهشی خواهد داشت، زیرا تنها دو برادر واقع بینانه وجود دارد - همسویی با مسکو یا پکن. دیگر قدرت های خارجی علاقه کمتری به هژمونی بودن در آسیای مرکزی دارند. 9 علاوه بر این،

تحلیلگران استدلال می‌کنند که روابط پرتنش مسکو با آمریکا و اروپا گزینه‌های آستانه را محدود می‌کند، با این فرض که آستانه نمی‌تواند از چنگال مسکو خارج شود و بنابراین در نهایت نسبت به رفتار روسیه و چین واکنش‌های بیشتری نشان می‌دهد و آن‌طور که می‌خواهد فعال نخواهد بود. 10 در هر صورت، قزاقستان باید دو کشور همسایه بزرگتر را مدیریت کند، که هر یک در تلاش برای ایجاد یک حوزه نفوذ در آسیای مرکزی هستند، سعی می‌کنند قزاقستان را در پروژه‌های ادغام منطقه‌ای تحت کنترل خود بگنجانند و حاکمیت و دولت قزاقستان را زیر سوال برده‌اند. 11

حوزه نفوذ روسیه:

در سال 2007، پوتین حق مسکو را برای داشتن یک حوزه نفوذ در فضای پس از فروپاشی شوروی، علیرغم توافق‌های متعددی که متعهد به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری‌های شوروی سابق بود، اعلام کرد. پروژه پوتین بازپس‌گیری هویت روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ در فضای پس از شوروی به عنوان تامین‌کننده امنیت با نفوذ فرهنگی مبتنی بر زبان روسی به عنوان زبان مشترک و اعتقاد به "روسکی میر" (جهان روسیه) بود. 12 از زمان سخنرانی پوتین در مونیخ، او تلاش کرده است تا حوزه نفوذ روسیه را در فضای پس از شوروی ایجاد کند. این شامل تهاجم به گرجستان در آگوست 2008، به رسمیت شناختن آبخازیا و اوستیای شمالی به عنوان "کشورهای مستقل"، ادغام نزدیکتر با بلاروس، حفظ صلح در قزاقستان، و افزایش نظامی در امتداد مرز روسیه با اوکراین برای دلسرد کردن اوکراین از ادغام با اروپا و پیوستن به آن بود. ناتو، که با تهاجمات و الحاقات در سالهای 2014 و 2022 همراه شد. 13 از میان تمامی این اقدامات در فضای پس از شوروی، تنها اقدام غیرخشونت‌آمیز، اعزام اخیر نیروهای حافظ صلح روسی به قزاقستان بود، اما در آنجا نیز احتیاط روسیه در حال افزایش است. روسیه با دگرگونی کشورهای آسیای مرکزی به چالش کشیده شده است، زیرا آنها روابط خود را با دیگر قدرت‌های بزرگ توسعه می‌دهند، و زمانی که شهروندان آنها چینی، انگلیسی را مطالعه می‌کنند و به جای روسی از زبان خود استفاده می‌کنند. 14 تحلیل روسی نگران است که "خارج از کشور نزدیک" زبان روسی را فراموش کند و فراموش کند که همیشه بخشی از اتحاد جماهیر شوروی و روسکی میر بوده است. در سال 2021، دولت قزاقستان اعلام کرد که از الفبای سیریلیک روسی دور خواهد شد و از الفبای لاتین برای زبان نوشتاری قزاق استفاده خواهد کرد که این نگرانی‌ها را تأیید می‌کند.

ترویج روسیه میر توسط پوتین منجر به انکار دولت قزاقستان شده است، با توجه به اعتقاد روسیه که قزاقستان به عنوان یک کشور در گذشته وجود نداشت تا زمانی که اتحاد جماهیر شوروی آن را ایجاد کرد، و قزاقستان یک کشور منسجم را تشکیل نداد، بلکه از سرزمین‌های جداگانه تشکیل شده بود. و قبایل اظهارات روسیه مبنی بر اینکه شمال قزاقستان واقعاً بخشی از روسیه است، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند که روسیه آن را تصرف کند. در سپتامبر 2014، پوتین قزاقستان را به عنوان یک مخلوق مصنوعی توصیف کرد و خاطر نشان کرد که قزاق‌ها تمایل عمیقی برای روابط نزدیک‌تر با روسیه دارند. 15 قزاقستان پس از تصرف کریمه توسط مسکو در فوریه 2014 نگران بود که این اتفاق بعدی باشد. به هر حال، بهانه پوتین برای الحاق کریمه و دفاع از جدایی طلبان در شرق اوکراین، حمایت از حقوق روسی‌زبانان بود. در سال 2014، رئیس‌جمهور نورسلطان نظربایف، از ترس سرنوشت مشابه، در تلویزیون قزاقستان اظهار داشت که "قزاقستان حق خروج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا را دارد... قزاقستان بخشی از سازمان‌هایی نخواهد بود که استقلال ما را تهدید می‌کنند." 16

اتحادیه گمرکی اوراسیا در 1 ژانویه 2015 به EEU تبدیل شد، یک بازار واحد یکپارچه بین بلاروس، قزاقستان و روسیه. ارمنستان روز بعد و قرقیزستان در پایان سال به آن پیوستند. EEU قرار بود پایه و اساس حوزه نفوذ روسیه پس از شوروی باشد. به مولداوی، اوکراین و گرجستان پیشنهاد عضویت در EEU داده شد اما در عوض عضویت در اتحادیه اروپا را انتخاب کردند. هر کشور دارای مناطق جدایی طلبی بوده است که به دنبال عضویت در EEU بوده‌اند - منطقه ترانس نیستریا مولداوی، مناطق دونتسک و لوهانسک اوکراین، و اوستیای جنوبی و آبخازیا گرجستان. امتناع اوکراین از پیوستن به EEU یک حفره بزرگ ایجاد کرد.

در سال 2016، پوتین نظم منطقه‌ای اوراسیا را زمانی که دیدگاه خود را از مشارکت گسترده اوراسیا، GEP معرفی کرد، دوباره تعریف کرد. پوتین این پروژه را قبل از اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای در تاشکند، ازبکستان در 23 تا 24 ژوئن 2016 پیشنهاد کرد، زمانی که سازمان همکاری‌های شانگهای گسترش می‌یابد و هند و پاکستان را به عنوان اعضای آن شامل می‌شود. او پیشنهاد کرد که روابط اقتصادی و تجاری GEP مستلزم شبکه‌ای از توافقات تجاری دوجانبه و چندجانبه بین همه اعضا و سازمان‌ها است. پوتین نمی‌توانست جلوی نفوذ اقتصادی چین به آسیای مرکزی، هدف اصلی EEU را بگیرد، زیرا پکن با EEU به‌عنوان راهرویی برای BRI رفتار کرده بود. هدف از GEP نشان دادن روسیه به عنوان ابتکار عمل در منطقه اوراسیا بود، تلاشی برای پنهان کردن عدم

تقارن فزاینده در ظرفیت اقتصادی چین و روسیه. 17 GEP به پوتین کمک می کند تا حوزه های نفوذ روسیه را در کشورهای پس از فروپاشی شوروی بازسازی کند و اتحاد جماهیر شوروی را بازسازی کند. 18 با این حال، چین آن را به عنوان یک ستراتیژی ژئوپلیتیکی می نگرید که به چگونگی ارتباط با BRI خود اهمیت می دهد. پوتین به حمایت شرکای اقتصادی خارجی مانند چین نیاز داشت زیرا EEU اندازه بازار محدود و پتانسیل کمی برای گسترش داشت. روسیه هم نسبت به پروژه چین محتاط بود و هم می ترسید از این پروژه و دیگر پروژه های ادغام منطقه ای در اروپا و آسیا کنار گذاشته شود. 19

در دسامبر 2020، معاون دومای دولتی روسیه ویاچسلاو نیکونوف اعلام کرد که زمانی که اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد، قزاقستان به عنوان یک کشور وجود نداشت و قلمرو قزاقستان هدیه بزرگی از طرف روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بود. یکی دیگر از نمایندگان دومای دولتی، یوگنی فدوروف، اظهار داشت که قزاقستان باید این مناطق را به روسیه بازگرداند. 20 قاسم جومارت توکایف رئیس جمهور قزاقستان در ژانویه 2021 پاسخ داد که «قزاقستان یک کشور واحد است. کشور ما به دو بخش جنوبی، شمالی، غربی و شرقی تقسیم نشده است... سرزمین مقدس ما که از اجدادمان به ارث رسیده است، ثروت اصلی ماست. هیچ کس از بیرون این سرزمین وسیع را به قزاق ها نداد.» 21 توکایف به شدت از استفاده از زبان قزاق به عنوان زبان دولتی دفاع کرد.

روسیه در تابستان 2021 از شبکه های تلویزیونی روسی خود در قزاقستان برای انجام یک سری حملات اطلاعاتی علیه سیاست های دولت قزاقستان برای ناسیونالیسم و ملت سازی استفاده کرد که مسکو آن را روس هراسی می داند. برنامه های تلویزیونی ادعا می کردند که قزاقستان مرکزی و شمالی به روسیه وفادار هستند. 22 در آگوست 2021، رسانه های روسی حتی حملات اطلاعاتی فشرده ای را علیه سیاست های ملت سازی قزاقستان در مورد زبان انجام دادند و از زبان قزاقستانی به جای روسی به عنوان رویدادهای روس هراسی استفاده کردند. قدرت نرم فرهنگی در آسیای مرکزی به حفظ حوزه نفوذ کمک می کند، که به گفته رسانه ها، روس هراسی - تبعیض علیه روس های قومی مقیم قزاقستان - تضعیف می شود. قزاق ها حیرت زده بودند، زیرا مسکو در 30 سال گذشته به این شدت از قزاقستان انتقاد نکرده بود، و نگران بود که تحت پوشش حمایت از روس های قومی، بتواند از نظر ارضی در شمال قزاقستان که در آن روس های قومی متمرکز شده اند گسترش یابد و از مفهوم "جهان روسی" برای توجیه این موضوع استفاده کند. گسترش 23

روسیه قصد داشت کشورهای پس از شوروی را در حوزه نفوذ روسیه نگه دارد و بر نفوذ روسیه در امنیت و فرهنگ تأکید داشت. چین انتظار داشت آسیای مرکزی روند روسی زدایی را طی کند که باعث کاهش نفوذ فرهنگی روسیه و امکان نفوذ اقتصادی بیشتر چین در این کشور شود. 24 با این حال، همانطور که یک تحلیلگر قزاق خاطر نشان کرد، "چین نمی تواند با میراث نهادی، فرهنگی و قانونی روسیه در منطقه رقابت کند." نفوذ روسیه عمیقاً ریشه دارد. 25 با این وجود، آسیای میانه و روس ها نگران بودند که چین از طریق تعمیق، BRI نهادها و هنجارهای خود را در آسیای مرکزی گسترش دهد. شی جین پینگ به صراحت هنجارها و سیاست های مشترک را در BRI ترویج کرده است.

ژائو هوشنگ در سال 2021 اشاره کرد که اگرچه مقامات روسی گفته اند که مسکو نمی خواهد حوزه های نفوذ در "خارج نزدیک" ایجاد کند، حضور یک قدرت بزرگ دیگر در آنجا واکنش روسیه را برانگیخته است و نشان می دهد که این موضوع چقدر برای روسیه حساس است. دیپلماسی روسیه بر احیای روابط ویژه در همه ابعاد - سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی - برای ارتقای یکپارچگی منطقه ای از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) و EEU متمرکز است. این هدف با چالش های مستمر با نقاط داغ متعدد، مقاومت دولت های مستقل در برابر همگرایی سیاسی با روسیه و محدودیت های توسعه EEU مواجه است. 26

در سپتامبر 2020، وانگ یی و سرگنی لاوروف بیانیه مشترکی صادر کردند و تعهد خود را به ارتقای BRI و GEP در "توسعه موازی و هماهنگ" اعلام کردند، یعنی این دو پروژه با هم وجود داشته باشند اما لزوماً "لنگرگاه" نباشند. قزاقستان در هر دو پروژه به عنوان یک شریک ضروری برای BRI چین و روسیه EEU است.

در سال 2021، چینی ها آگاه بودند که حوزه نفوذ روسیه در آسیای مرکزی رو به کاهش است. ارزیابی ژائو هوشنگ از روسیه و کشورهای نزدیک آن نشان داد که آسیای مرکزی نقش مهمی در تأثیرگذاری بر سیاست خارجی روسیه، تعیین اهداف آن و عمل به عنوان نقطه تقابل روسیه و غرب دارد. ژائو استدلال کرد که اگرچه روسیه همچنان به ایفای نقش ضروری در فضای پس از شوروی ادامه داد، اما نفوذ روسیه در آنجا رو به کاهش بود و با تغییر کشورهای پس از شوروی به سمت غرب جذابیت خود را از دست داد. به ویژه نسل جوان آگاهی پس از شوروی خود را از دست داده بود. ژائو خاطر نشان کرد که "انسجام در اطراف مسکو به عنوان یک مرکز در حال کاهش نسبی است، در حالی که جذابیت مراکز قدرت خارجی، به ویژه اروپا و ایالات متحده، نسبتاً در حال افزایش

است. " راه حل پیشنهادی ژائو این بود که روسیه بر توسعه خود تمرکز کند تا آن را جذابتر کند، و یک جامعه توسعه فراگیر متشکل از "خارج نزدیک" با چین در BRI تشکیل دهد، که به ارتباطات توسعه متنوعتری با کشورهای همسایه اجازه می‌دهد، که می‌تواند ارتباط چین با "خارج نزدیک" باید بیشتر مورد استقبال مسکو قرار گیرد. چنین درخواستی ایبی نشان می‌دهد که روسیه هنوز در آسیای مرکزی حوزه نفوذ دارد، اما این ادعا گمراه کننده است. ایجاد تعادل یا محافظت از نفوذ چین، که منجر به همکاری بیشتر از رقابت از طریق فرآیند انطباق می‌شود. 28 برخی معتقدند که این انطباق مداوم دو کشور را قادر می‌سازد تا از طریق تعاملات با مدیریت دقیقی که با وجود رقابتی بودن منظم هستند، بین خود و در منطقه نظم ایجاد کنند، زیرا هر یک به دنبال ایجاد مفاهیم و هنجارهایی است که منطقه اوراسیا را تعریف می‌کند. 29 دیدگاه غالب در روسیه و چین این بود که این دو در آسیای مرکزی با یکدیگر سازگار می‌شوند. 30 در واقع، به نظر می‌رسید که هر یک از طرفین با پروژه طرف مقابل سازگاری و همزیستی دارند. چین از مداخلات نظامی روسیه در فضای پس از فروپاشی شوروی انتقاد نمی‌کند و به نظر می‌رسد روسیه سلطه اقتصادی فزاینده چین در آسیای مرکزی را پذیرفته است. 31 با این حال کلارک و رایس استدلال می‌کنند که فقدان پروژه‌های همکاری چین و روسیه در قزاقستان وجود دارد، که به گفته آنها نشان می‌دهد که روسیه و چین ستراتیژی‌های حفاظتی را علیه یکدیگر در آسیای مرکزی دنبال می‌کنند، حتی اگر تصور آسیای مرکزی از مسکو ضامن امنیت منطقه ای هنوز هم تصویر حوزه نفوذ روسیه را در سراسر منطقه تقویت می‌کند.

حوزه نفوذ چین:

اگرچه چین آشکارا ادعای حوزه نفوذ در آسیای مرکزی نکرده است، در اواخر دهه 1980، تحلیلگران چینی در مورد محافل اقتصادی که از سین کیانگ چین تا آسیای مرکزی تا کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه را در بر می‌گرفت، بحث کردند. 32 در دهه 1990 این چشم انداز به عنوان احیای جاده ابریشم باستانی نامیده می‌شد و پل زمینی اوراسیا را از طریق آسیای مرکزی می‌ساخت. در سال 2010، یک ژنرال صریح، PLA یازو، گفته می‌شود که می‌نویسد آسیای مرکزی «ضخیم‌ترین تکه کیک است که بهشت به چینی‌ها داده است». 33 این نشان دهنده دیدگاه چینی‌ها از آسیای مرکزی است که سرشار از مواد خام مورد نیاز برای توسعه چین است. در سال 2013، زمانی که کمربند و جاده در قزاقستان معرفی شد، بسیاری از این دیدگاه‌های قدیمی‌تر در یک ستراتیژی صریح‌تر گنجانده شدند. در مارس 2015، زمانی که وزارت امور خارجه چین یک طرح اقدام برای BRI و جاده ابریشم دریایی، چشم انداز و اقدامات مربوط به ساخت مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم را صادر کرد، طرحی از چین در مجمع بوانو ارائه شد. آسیای مرکزی چین را با خلیج فارس و دریای مدیترانه از طریق کریدور چین-آسیای مرکزی-آسیای غربی به نام پل زمینی اوراسیا مرتبط خواهد کرد. دو ماه بعد شی جین پینگ از مسکو بازدید کرد و پیشنهاد کرد که BRI و EEU می‌توانند به لنگرگاه متصل شوند ("对接" و بدین ترتیب از یک مبارزه رقابتی بر سر آسیای مرکزی اجتناب کرد. قزاقستان به دلیل منابع نفتی و موقعیتش به عنوان یک مرکز حمل و نقل که چین را به اروپا متصل می‌کند، همیشه مرکز توجه چینی‌ها در آسیای مرکزی بوده است. دولت قزاقستان که به BRI پیوست، یک حکومت دزدسالاری بود که اعضای خانواده نظربایف از روابط اقتصادی با چین سود می‌بردند.

باقی دارد